

بررسی حمایت‌های مستشاری ایران به سوریه از طریق قاعده مقابله به مثل

محمد صحرایی اردکانی^۱، حسین دشتی^۲، سید مسعود فخری^۳

^۱ عضو هیئت علمی گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه اردکان

^۲ عضو هیئت علمی گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه اردکان

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه اردکان (نویسنده مسئول)

چکیده

از زمان آغاز ناآرامی‌ها در سوریه، بنا به درخواست دولت سوریه، ایران آغاز به کمک‌های متنوعی به سوریه کرده است. این کمک‌ها در مقاطع مختلفی مورد اعتراض افرادی در داخل و خارج ایران قرار گرفته است و در مقابل، تعدادی نیز اقدام به تفسیر دلایل حضور ایران در سوریه کرده‌اند و این حضور را از جهات مختلف تفسیر کرده و مورد بررسی قرار داده‌اند. اما آنچه تاکنون مورد غفلت قرار گرفته، بیان علت حضور از منظر قواعد اصلی قرآنی و اسلامی است که مدنظر سیاست‌گذاران کلان کشور قرار داشته است. در این مقاله، دلایل حضور ایران در سوریه، براساس قاعده فقهی «مقابله به مثل» که مستخرج از یکی از آیات قرآنی است، ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: قاعده مقابله به مثل، سوریه، حضور مستشاری، حمایت

مقدمه

روابط میان سوریه و جمهوری اسلامی ایران در طول تاریخ با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده اما نقاط مشترک زیادی میان اهداف رهبران دو کشور موجب حفظ روابط حسنه میان آنان و تبدیل شدن به متحدان راهبردی منطقه‌ای شده است.

تاریخچه روابط ایران با سوریه به سال ۱۹۴۶ و استقلال این کشور برمی‌گردد. اما تا پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، به دلیل حضور آنها در دو بلوک مختلف، این روابط خصمانه بود. وقوع انقلاب در ایران، زمینه اتحاد میان تهران و دمشق را فراهم کرد. در این میان دو رویداد مهم سال ۱۹۸۲، روند همگرایی ایران-سوریه را تسریع بخشید: حمایت فعالانه دمشق از تهران در جریان جنگ با عراق و همکاری دو کشور در حمایت از نیروهای حزب الله در جریان حمله رژیم صهیونیستی به لبنان. در همین راستا در همان سال، اولین قرارداد نظامی و موافقت نامه اقتصادی میان دو کشور به امضا رسید.

با شروع جنگ تحمیلی میان ایران و دولت بعثی عراق، حمله تحریم‌های غربی علیه ایران شدت گرفت. تقریباً کلیه کشورهای دنیا (به جز تعدادی معدود) از فروش سلاح و ادوات جنگی به ایران خودداری می‌کردند. این عمل ابتدائاً با هدف شکستن مقاومت ایرانیان در جنگ و در گام بعد به منظور به زانو درآوردن انقلاب اسلامی صورت می‌گرفت. براساس یادداشت‌ها و اخباری که از مسئولان زمان جنگ در سال‌های بعد منتشر شده است، ایران به شدت به دنبال خرید تجهیزات جنگی بوده است. برای این منظور، تعدادی از سران سیاسی و نظامی به کشورهای بی‌طرف مراجعه و درخواست تسلیحات کردند. از این میان، تعداد اندکی از کشورها با شناخت از رهبر انقلاب و روشن‌بینی نسبت به سیاست‌های امپریالیستی، اقدام به در اختیار گذاشتن (و حتی حمل) تجهیزات جنگی برای ایران نمودند.

یکی از این کشورها سوریه بود که در زمان جنگ به رهبری حافظ اسد (پدر آقای بشار اسد، رئیس جمهور کنونی سوریه) اقدام به حمایت از مقاومت ایران کرد. حافظ اسد تمام قد در کنار ایران ایستاد و تا جایی پیش رفت که خط لوله نفتی «کرکوک» به «بانایاس» را که حدود ۱۵ درصد از درآمد نفتی عراق را تأمین می‌کرد، بست. به این ترتیب سوریه خشم تمام کشورهای عمده عرب را به جان خرید.

اواخر دی ماه ۱۳۸۹، با آغاز انقلاب تونس، سلسله وقایعی که به «بهار عربی» شهرت یافت، صحنه خاورمیانه را دستخوش تغییراتی سریع و خیره کننده کرد.

تمامی نظام سنتی کشورهای عرب فروریخت و نیروهای تحت فشاری که ۳ دهه مجالی برای عرض اندام نداشتند، به شکلی فوران گونه آزاد شدند. سوریه گرچه وضعیت متفاوت با تونس، مصر، لیبی و بحرین و یمن داشت اما دیوانسالاری پوسیده و نظام امنیتی کهنه آن، زمینه مناسب برای باز شدن زخم‌های کهنه کشور را فراهم کرد. آتش جنگی که به اشتباه داخلی خوانده می‌شود، در سوریه زبانه کشید و تمام دشمنان خاندان اسد و حزب الله و متحدان سابق صدام و رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی ایران، سوریه را به عرصه تاخت و تاز خود مبدل کردند. این بار ایران و حزب الله بودند که دست یاری به سوی متحد قدیمی خود دراز کردند.

برای تفسیر میزان و چگونگی کمک ایران به سوریه، تحلیل‌ها و دلایل مختلفی بیان شده است، که به تعدادی از مهم‌ترین آنها در متن اشاره می‌شود؛ اما به نظر می‌رسد که در زمینه حمایت‌های ایران از سوریه، یکی از مهم‌ترین دلایل حمایت‌ها تاکنون ناگفته مانده و مغفول مانده است. از این رو، در این مقوله به بحث کمک‌های مستشاری و حمایتی ایران به سوریه از دیدگاه قاعده مقابله به مثل پرداخته می‌شود.

در ادامه این مقاله، ابتدا مختصر مقدمه‌ای در مورد قاعده مقابله به مثل بیان شده، سپس پیشینه تحقیق ارائه شده، در ادامه دلایلی که برای حضور ایران در سوریه ارائه شده‌اند آورده شده است و در ادامه نیز دلایل انطباق قاعده مقابله به مثل با حضور ایران در سوریه ارائه گردیده است.

قاعده مقابله به مثل

مقابله به مثل در لغت به معنای تلافی کردن و رفتار همسان در پاسخ به رفتار دیگری است. مقابله به مثل در عرف نیز یعنی همان عملی که شخصی یا گروهی در مورد دیگری انجام داده است، درباره خود وی انجام شود.

آنچه از ظاهر این قاعده برمی آید آن است که اگر تجاوزی به فرد (یا افراد یا گروه) انجام شد، مورد تجاوز می تواند (و بلکه باید) تلافی نماید. در دنیای واقعی نیز این قاعده بصورت بالفعل عملکرد دارد و چنانچه فردی مورد ضرب و شتم یا دشنام قرار گیرد، اولین کاری که بصورت غریزی انجام می دهد، دفاع از خود و سپس جبران و تلافی مورد انجام شده است.

از نظر عقلی نیز، چنانچه دفاع و مقابله به مثل انجام نشود، همواره بیم شدت گرفتن یا تکرار تجاوز وجود خواهد داشت. پس تا اینجا از نظر منطقی و عقلاً مقابله به مثل در همه افراد و حتی (تا درجاتی) در حیوانات وجود دارد؛ اما اینکه حدود این مقابله به مثل تا چه مقدار باشد و آیا در همه موارد جایز است یا خیر؟ سوالی است که هر کس پاسخی برای آن دارد و نمی توان بطور قطع پاسخ صحیح و یکتایی برای این سوال یافت. آنچه از فرمایشات بزرگان و نظر محققان نیز برمی آید آن است که کسی از نظر عقلی برای این سوال پاسخی مطرح نکرده است. تمامی مباحثی که از نظر عقلی برای این مورد مطرح شده، براساس آیات قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) بوده است.

در قرآن کریم مهم ترین آیه ای که بر اعتبار اصل مقابله به مثل دلالت نموده و بیشترین حجم بحث های تفسیری و فقهی را در این زمینه به خود اختصاص داده و از هر دو واژه قصاص و اعتداء به مثل برای تبیین قاعده کلی مقابله یا اعتداء به مثل استفاده نموده است، آیه ۱۹۴ سوره مبارکه بقره می باشد: «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اَعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»، «ماه حرام مقابل است به ماه حرام و همه حرمت ها محل قصاص است، پس هر کس بر شما تجاوز و ستم روا دارد، شما نیز در مقابل به مانند ستمی که بر شما روا داشته، ستم او را پاسخ دهید، و پرهیز کنید از عذاب خدا و بدانید که خداوند با پارسایان است». پس خداوند این آیه را برای بیان حکم در این رویداد، نازل نمود و فرمود: «الشهر الحرام بالشهر الحرام»، یعنی «هر کس خون شما را در این ماه حرام، حلال شمرد، شما هم خونس را حلال شمارید».

براساس این آیه، اعتدا در مقابل اعتدا جایز است و شخصی که مورد تعدی قرار گرفته باشد، می تواند مقابله به مثل نماید و مانند آن اعتدا را در مقابل متعدی مرتکب گردد. در حیطه حقوق خصوصی، چگونگی استدلال به آیه اینگونه است که تلف کردن اموال، منافع و حقوق دیگران بدون اجازه آنان، از مصادیق تعدی است و بر اساس مدلول آیه، به همان مقدار برای شخص متعدی عنه، جایز است از متجاوز بگیرد؛ بنابراین مدلول آیه به دلالت مطابقی اشاره به حق اعتدای به مثل زیان دیده را دارد. بدین ترتیب دلالت این آیات بدینگونه است که گفته شود اگر کسی مظلوم واقع شود، سپس داد خود را از ظالم بگیرد و استیفای حق خود نماید، قابل مؤاخذه نیست؛ هم ظلمی که به وی شده است، جسمی باشد و او بخواهد قصاص کند و هم ظلم مالی باشد و او بخواهد مقابله به مثل نماید.

باید در نظر داشت که در زمینه مقابله به مثل، اصولی حاکم هستند که عبارتند از:

- مقابله به مثل در تعداد،
- مقابله به مثل در شکل (مقابله غیرمماثل)
- مقابله به مثل از نظر روح عمل
- مقابله به مثل در کیفیت
- مقابله به مثل با شرط تناسب
- مقابله به مثل از نظر زمان

که هر یک باید در جای خود مورد نظر قرار گیرند.

همچنین در حقوق بین الملل و در عرصه جنگ میان کشور اسلامی و کشور غیراسلامی، با توجه به وجوب جهاد و عدم تجویز عفو و گذشت، تنها آیه ای که بر مقابله به مثل در این عرصه دلالت دارد، آیه اعتداست و از دیگر آیات مجوز مقابله به مثل فقط

می‌توان از راه قیاس اولویت برای تجویز مقابله به مثل بهره برد. چنانچه در عرصه جنگ کشور اسلامی با کشور غیراسلامی، دشمن، متعرض غیرنظامیان یا اسرای مسلمان شود یا از روش‌های غیرانسانی و سلاح‌های کشتار جمعی استفاده کند، در این موارد و موارد مشابه، دیگر نمی‌توان مقابله به مثل کرد؛ زیرا آیات دیگری در قرآن هستند که برخی بر آیات مجوز مقابله به مثل، حکومت و برخی بر آنها ورود دارند. همچنین از آنجا که مقابله به مثل همیشه جنبه واکنشی دارد و نمی‌تواند به صورت حمله ابتدایی باشد، در صورتی که خطر از میان رفتن کشور اسلامی وجود داشته باشد، در تزامم میان حفظ کیان کشور اسلامی و قاعده مقابله به مثل، بر اساس آیات مجوز دفاع مشروع، حفظ کشور اسلامی بر قاعده مقابله به مثل اولویت می‌یابد (فخری و همکاران، ۱۳۹۹).

باید توجه داشت که مقابله به مثل بر دو نوع تقسیم می‌شود آن دو را با دو عنوان مقابله به مثل با گرایش مثبت و مقابله به مثل با گرایش منفی، نام‌گذاری کرده‌اند. منظور از مقابله به مثل با گرایش مثبت، مقابله به مثل در موارد لذت‌بخش است که انسان‌ها، منهای عوارض و عوامل خارجی، نسبت به آن اقبال دارند و جالب و جاذب و مطلوب مردم است. منظور از مقابله به مثل با گرایش منفی، مقابله به مثل در موارد رنج‌آور است که مردم، منهای عوارض و عوامل خارجی، از آن گریزانند. قرآن، در حالی که در هر دو زمینه مثبت و منفی به شکلی مقابله به مثل را طرح می‌کند، برای مقابله به مثل با گرایش مثبت و مقابله به مثل با گرایش منفی، دو وضع کاملاً متفاوت، به تصویر می‌کشد. به این معنا که به مقابله به مثل با گرایش مثبت، پیوسته به عنوان حداقل وظیفه فرمان داده است؛ یعنی کمتر از آن را جایز و شایسته نمی‌داند. برعکس آن، مقابله به مثل با گرایش منفی را پیوسته، به عنوان حداکثر حق انسان مطرح کرده که هیچگاه نباید از آن تجاوز کند و به کار دیگری، از جهت کمی و کیفی، بدتر از آن دست بزند.

این لطف و کرامت اسلام است در برخورد با انسان و در حاکمیت اخلاق و فضایل اخلاقی که انسان را موظف داشته تا هیچگاه حتی در برخورد با دشمن متجاوز، آن را فراموش نکند و تحت تأثیر احساسات لجام گسیخته، دست به طغیان نزند. وقتی مقابله به مثل با گرایش منفی به عنوان حداکثر حق مطرح می‌شود، انسان در عمل به مقابله به مثل نیز الزامی ندارد و چون حق، قابل اسقاط است، می‌تواند از حق خود صرف‌نظر کند. از این رو در آیات و روایات نیز در چنین مواردی به عفو و گذشت توصیه شده است.

اما وجود کاربرد گسترده این قاعده در زندگی روزمره، اما تحقیقات چندانی در این زمینه انجام نگرفته است، از جمله محدود تحقیقات صورت گرفته در این زمینه، می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت:

آیتی و شادروان (۱۳۸۶) بیان کرده‌اند که مبنای اخلاقی اصل مقابله به مثل، قاعده‌ای فطری و عقلانی است که بسیاری از آیات و روایات و نظرات فقهاء و دانشمندان آن را تایید می‌نمایند و در حقوق بین‌الملل کنونی به خصوص جنگ و دفاع مشروع و نیز حقوق داخلی کیفری به ویژه قصاص در جان و جراحت، نقش بسیار مهم و مبنایی دارد. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که از دیدگاه فقه امامیه به هیچ وجه کاربرد سلاح‌های نظامی برای کشتن غیر نظامیان در مقام مقابله به مثل جایز نیست و در حقوق بین‌الملل نیز با توجه به قوانین بشردوستانه بین‌المللی بطور کلی از این عمل منع شده است، اگر چه بسیاری از کشورها در مقام عمل به این قوانین بی‌اعتنا هستند.

هوشمند فیروزآبادی و جاور (۱۳۹۴) نیز به این نتیجه رسیده‌اند که مقابله به مثل، همچون حوزه‌های حقوق خصوصی و کیفری و در قلمرو روابط بین‌المللی و در مورد دولت‌ها یا جنبش‌های متخاصم هم امکان پیدا کند. به رغم وجود مقتضی در این باره، ممکن است جریان قاعده مقابله به مثل، از «جهت هدف»، نسبت به غیر نظامیان و اسرای دشمن و «از جهت روش»، در مورد روش‌های غیر انسانی و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی با محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی مواجه باشد. به جز در ساحت دانش‌افزایی و کسب دانش تولید که می‌تواند ارباب و ارباب دشمن را به دنبال داشته باشد، ممکن است حکم عدم جواز جاری بشود و بعلاوه در وضع کنونی نیز این دیدگاه با مصالح عالیه نظام اسلامی نیز موافق است.

میرعلی و عارفی (۱۳۹۸) به دنبال واکاوی شیوه‌های کاربرد قاعده مقابله به مثل در روابط بین‌الملل از منظر قرآن با روش توصیفی-تحلیلی توأم با تفسیر بودند. به گفته آنان، از دیدگاه قرآن کریم، مقابله به مثل در تمامی امور؛ اعم از مثبت و منفی به

ویژه در عرصه جنگ و صلح در حوزه سیاست خارجی کاربرد دارد و این کتاب آسمانی، راهبردهای به کارگیری آن را فراروی دولت اسلامی قرار داده است تا براساس مصالح و اولویت‌های موجود آن را در تعامل و روابط با دیگران به کار گیرد. یافته‌های تحقیق آنان نشان می‌دهد، توصیه قرآن نسبت به مقابله به مثل با دیگران در امور نیک و مثبت جبران احسن آنها است، اما در امور منفی و در برابر کشوری که روابط خصمانه با دولت اسلامی دارد، توسل به اقدام متناسب متقابل است. در این باره اجتناب از زیاده‌روی به ویژه نسبت به غیر نظامیان و نیز استفاده از روش‌های غیر انسانی توصیه شده است.

دلایل ایران برای حضور در بحران سوریه

در حالی که در سال ۲۰۱۱ خیزش‌های مردمی، کشورهای عربی را یکی پس از دیگری درمی‌نوردید، موضوع روابط سوریه و ایران تحت تأثیر این انقلاب‌ها رنگ و بوی تازه‌ای به خود گرفت. رهبران کشورهای تونس، لیبی، یمن یکی پس از دیگری سقوط کردند. پس‌لرزه‌های این اعتراضات در ۲۶ ژانویه سال ۲۰۱۱ سوریه را نیز در بر گرفت و این کشور برخلاف دیگر کشورهای مذکور، نه از سوی قاطبه مردم بلکه در نتیجه عوامل بیرونی مورد تهاجم واقع شد: آمریکا، اسرائیل، ترکیه، عربستان و برخی کشورهای عربی متحد با ریاض. در این میان برخی از نیروهای داخلی مخالف بشاراسد نیز حضور داشتند. در این شرایط جمهوری اسلامی ایران به دلایل مختلفی و در پی درخواست رسمی دولت سوریه، به کمک متحد خود شتافت که در مرحله اول به صورت حضور مستشاری و سپس شکل حضور نظامی پیدا کرد. تاکنون دلایل بسیاری برای این حضور ایران در سوریه بیان شده است که بطور خلاصه عبارتند از:

الف) امنیت مرزهای ایران

رهبران نظام جمهوری اسلامی ایران و در راس آنها رهبر معظم انقلاب همواره تاکید کرده‌اند ایران در سوریه داری اهداف راهبردی است و اگر ما در این کشور با دشمن مبارزه نکنیم بایستی در همدان و کرمانشاه با تروریست‌ها بجنگیم. این سخن بر مبنای بررسی اهداف آمریکا و اسرائیل بیان شده است.

در چارچوب سیاست خارجی واقع‌گرایی، برحسب میزان تهدید قدرت‌های خارجی، دو حلقه امنیتی فوری و غیر فوری برای هر کشور تعریف می‌شود. در این خصوص حلقه امنیتی فوری ایران شامل کشورهای همجوار یعنی عراق، ترکیه، پاکستان، افغانستان و دولت‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس می‌شود که میزان تهدید از این مناطق در سطح بالایی قرار دارد. حلقه امنیتی غیرفوری هم دربرگیرنده کشورهای سوریه، لبنان و فلسطین می‌شود که امکان بروز تهدید از جانب آنها دورتر است. اما با توجه به ریشه‌های بحرانی که سوریه را دربرگرفت، نمی‌توان این کشور را همچنان طبق تعریف سنتی، در زمره کشورهای حلقه امنیتی غیرفوری قرار داد.

طبق برنامه‌ریزی آمریکا و طرح خاورمیانه بزرگ، تجزیه کشورهای خاورمیانه در دستور کار واشنگتن و تل‌آویو قرار دارد. آنها امیدوار بودند تا با ایجاد آشوب در سوریه و سقوط دولت این کشور، زمینه تجزیه آن را فراهم سازند. سپس همین اتفاق را در عراق پیگیری و در نهایت به ایران برسند.

در این خصوص نزدیک شدن گروه‌های تروریستی به مرزهای ایران و تشدید ناامنی در غرب می‌توانست با افزایش فشارها از مرزهای شرقی همراه شود و در این شرایط احتمال نفوذ عوامل تروریستی به داخل کشور بسیار بالا بود. لذا از بین بردن داعش، جبهه النصره و دیگر گروهک‌های تکفیری و تروریستی در محل پیدایش آنها یعنی سوریه و مناطق غربی عراق، امکان تحقق چنین سناریویی را به صفر می‌رساند. براین اساس، سوریه عمق استراتژیک ایران محسوب می‌شود که برطبق اصول دفاعی و امنیتی، توجه به این کشور و جلوگیری از نفوذ غرب و تحقق نیات آن در اولویت امنیت کشورمان قرار می‌گیرد.

ب) حفظ محور مقاومت

یکی از مهم‌ترین پیامدهای بحران سوریه تضعیف محور مقاومت خواهد بود. با توجه به اینکه سوریه در خط مقدم مقابله با صهیونیسم است، راهبرد امنیتی ایران ایجاب می‌کند که از کشورهایی که در خط مقدم مقابله با اسرائیل هستند حمایت کند.

ضمن آنکه سوریه یک بازیگر کلیدی در رقابت بین ایران و آمریکا در شرق مدیترانه است. سوریه در امتداد مرزهای شمالی رژیم صهیونیستی قرار دارد و همین مساله می‌تواند به خوبی توضیح دهد که چرا آمریکا در تلاش است که نقش دیرپای سوریه به عنوان دروازه ورود ایران به شرق مدیترانه را تغییر جهت یا تنزل دهد. جمهوری اسلامی ایران دمشق را خاکریز نخست جبهه مقاومت اسلامی قلمداد می‌کند که در غیاب آن احتمال تضعیف گروه‌های مقاومت شامل حزب‌الله و جهاد اسلامی وجود دارد.

ج) حفظ موازنه قدرت در منطقه

از شروع بحران سوریه، این کشور به میدان زورآزمایی قدرت‌های منطقه‌ای تبدیل شده است. بیشترین فشارها در ابتدای بحران، از طرف عربستان و ترکیه اعمال می‌شد. این کشورها درصدد بودند تا با حمایت مالی و تسلیحاتی از گروه‌های معارض، باعث سقوط اسد شوند و راه را برای یک‌تازی آنها در خاورمیانه هموار سازند. این در حالی بود که سقوط دولت سوریه، منجر به از دست رفتن یک متحد در منطقه برای ایران می‌شود و از طرفی وزنه محور مقاومت سبک می‌گردد که وقوع این اتفاق در جهت انتفاع اسرائیل بود.

د) سوریه دروازه ورود ایران به غرب

قرار گرفتن سوریه در نقطه اتصال سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا، بالاترین منظر ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک را به آن بخشیده است. از همین رو بسیاری از کارشناسان سیاسی این کشور را «بزرگترین کشور کوچک جهان» نامیده‌اند. سوریه برای سال‌ها نقش دروازه ورود ایران به جهان غرب و اتصال استراتژیک ایران به منطقه مدیترانه و خاور نزدیک را داشته است. این کشور می‌تواند از طریق بنادر در ساحل مدیترانه، مسیر بسیار مهمی برای صادرات نفت و گاز ایران به اروپا باشد.

هر چند که در بحران سوریه، تعدادی از کشورهای دیگر نیز به یاری دولت سوریه شتافتند. بطور مثال، مطابق نظر درآینده و احمدی (۱۳۹۷)، در بحران سوریه، روسیه با کمک متحد خود یعنی ایران، به حمایت‌های دیپلماتیک و نظامی از نظام سوریه پرداخته و از این طریق توانسته جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی خود را تقویت نماید. به طور کلی، روسیه و ایران به عنوان حلقه‌های حامی اسد عمل کرده‌اند که هر کدام دارای وظایف و مسئولیت‌های مشخص بوده و به نوعی دارای نقشی مکمل نسبت به یکدیگر می‌باشند. اما نقش هر یک از این کمک‌ها و انگیزه هر یک متفاوت بوده است. برای مثال، درآینده و احمدی (۱۳۹۷) بیان می‌کنند که سیاست روسیه در بحران سوریه تلاشی در جهت ایجاد موازنه در نظام بین‌الملل و مقابله با تهدیدات موجود از طرف غرب و آمریکا بر سر راه امنیت و منافع ملی این کشور است که همسویی مقطعی آن با سیاست‌های ایران تأمین‌کننده منافع ملی ایران می‌باشد ولی با این وجود، اختلاف رویکرد این دو کشور و نوع کنش‌گری آنها می‌تواند چالش‌هایی را ایجاد نماید.

مسعودنیا و همکاران (۱۳۹۷) نیز دلایل حضور ایران را در سوریه به صورت حفظ و توسعه نفوذ منطقه‌ای ایران، تداوم تماس با حزب‌الله و گروه‌های جهادی فلسطین، دور کردن تهدید امنیتی رژیم اشغالگر قدس و تمرکز تهدید در کنار مرزهای آن، بهره‌گیری از نفوذ منطقه‌ای به عنوان پشتوانه‌ای در صحنه دیپلماتیک و مهم‌تر از همه تداوم قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه را منوط به بقای رژیم سوریه و تداوم نفوذ ایران در این کشور دانسته و براین اساس تحلیل کرده‌اند.

بحث

براساس قاعده مقابله به مثل، کمک در موقع بحران نیز شامل مقابله به مثل در زمان نیاز خواهد شد. بر اساس این قاعده است که می‌توان روابط ایران و سوریه را توجیه نمود. حمایت در مقابل حمایت. براساس متن مصاحبه خبرگزاری فارس با آقای محسن رفیق‌دوست (وزیر سپاه در سال‌های جنگ)، که در تاریخ ۱۳۹۱/۵/۱۲ انجام شده است، ایشان بیان می‌کنند که «بنده شهادت می‌دهم سوریه در زمان جنگ از ما حمایت کرد». البته درباره مبحث حمایت سوریه از ایران در زمان جنگ تحمیلی هشت ساله، آنقدر مطالب فراوان و مستند وجود دارد که بیان آنها در این مبحث گزافه‌گویی است. بطور خلاصه در جدول ۱ مقایسه‌ای از حمایت‌های دو کشور از یکدیگر در برهه‌های مختلف زمانی ارائه شده است.

جدول (۱) حمایت‌های سوریه از ایران و حمایت‌های ایران از سوریه

کمک‌های سوریه به ایران در زمان جنگ تحمیلی	کمک‌های ایران به سوریه در زمان حاضر
تحويل دادن تجهیزات جنگی به ایران در شرایطی که هیچ کشوری حاضر به فروش اینگونه تجهیزات به ایران نبود	تحويل دادن تجهیزات جنگی به سوریه در شرایطی که سوریه تحت تحریم‌های جهانی قرار دارد
آموزش سربازان ایرانی برای کار با تجهیزات جنگی ساخته شده توسط بلوک شرق	آموزش سربازان سوری برای کار با تجهیزات جنگی ایرانی
کمک مستشاری و اطلاعاتی به منظور مقابله با تهدیدات ارتش یعشی عراق	کمک مستشاری و اطلاعاتی به منظور مقابله با تهدیدات نیروهای تروریستی و صهیونیستی
حمایت سیاسی از دولت ایران در مجامع سیاسی	حمایت سیاسی از دولت سوریه در مجامع بین‌المللی

آنچه مطابق جدول ۱ مشاهده می‌شود، دقیقاً عین کمک‌های دولت سوریه به ایران، توسط دولت ایران نیز به سوریه انجام شده است.

نتیجه‌گیری

اساس سیاست کلان کشور ایران براساس دستورات و قواعد اسلامی و برگرفته از قرآن و سنت پیامبر و ائمه اطهار (ع) است. یکی از اصولی که نزد محققین مغفول مانده اما توسط سیاست‌گذاران کلان به دقت مورد پیگیری قرار می‌گیرد، قاعده مقابله به مثل است که براساس تعدادی از آیات قرآن قابل استناد می‌باشد. در این مقاله، تطابق حضور مستشاری-نظامی ایران در سوریه با قاعده مقابله به مثل مورد بررسی قرار گرفته و مشخص شد که تمامی فعالیت‌های ایران در سوریه مطابق با فعالیت‌های پیشین دولت سوریه در کمک به ایران در زمان جنگ تحمیلی با عراق بوده است. بطوریکه نمی‌توان موردی را بیشتر یا کمتر از کمک‌های سوریه به ایران در آن زمان ارزیابی نمود.

منابع

- آیتی، س.م.ر.؛ شادروان، م.ا. (۱۳۸۶). قاعده مقابله به مثل و اقدامات تلافی جویانه از منظر فقه شیعه و حقوق بین الملل؛ مجله فقه و مبانی حقوق، ۳(۱۰): ۶۳-۸۴.
- درآینده، روح الله؛ احمدی، حمید (۱۳۹۷). سیاست روسیه در بحران سوریه و پیامدهای آن بر منافع ملی ایران؛ فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، ۱۱(۴۴): ۶۹-۹۵.
- فخری، سید مسعود؛ صحرایی اردکانی، محمد؛ دشتی، حسین (۱۳۹۹). گستره قاعده مقابله به مثل در فقه و حقوق موضوعه؛ پایان نامه کارشناسی ارشد رشته الهیات و معارف اسلامی، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه اردکان.
- مسعودنیا، حسین؛ ابراهیمی، شهرز؛ درج، حمید (۱۳۹۷). واکاوی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه» چالش ها و پیامدها؛ فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، ۸(۲۸): ۱۲۵-۱۴۶.
- میرعلی، م.ع.؛ عارفی، م.ن. (۱۳۹۸). جایگاه مقابله به مثل در سیاست خارجی دولت اسلامی از منظر قرآن؛ حکومت اسلامی، ۲۴(۲): ۱۳۴-۱۶۰.
- هوشمند فیروزآبادی، ح.؛ جاور، ح. (۱۳۹۴). بررسی حدود مقابله به مثل حکومت اسلامی بر اساس آیات قرآن؛ حکومت اسلامی، ۲۰(۳): ۹۹-۱۲۸.